

مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای بر پایه مبانی قرآنی:

الگوی برای تحقق مدیریت اسلامی تراز

ابراهیم نصرالله پور علمداری^۱

چکیده

نظام مدیریتی کارآمد و اسلامی، ضرورتی بنیادین برای تحقق آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، از این رو، نیازمند الگویی جامع و متوازن برای تربیت و به‌کارگیری کارگزاران تراز است. پژوهش حاضر، با طرح این پرسش اساسی که «الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چگونه قابل تبیین است؟» به ترسیم و تبیین این الگو بر اساس اندیشه امام خامنه‌ای و با تأکید بر مبانی قرآنی و دیدگاه‌های ایشان همت گماشته است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای (آیات قرآن کریم، بیانات امام خامنه‌ای، تفاسیر و منابع مرتبط) و روش‌های تحلیل محتوای معنایی، تلفیق و ترکیب و تحلیل منطقی به انجام رسیده است. نتیجه این پژوهش، ترسیم «الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای» در قالب «منشور تعالی با سه وجه نورانی تخصص، تقوا و خدمتگزاری» می‌باشد. این الگو، با اتکا بر ویژگی‌های برجسته‌ای همچون جامعیت، عقلانیت، معنویت، عدالت‌محوری و مردم‌سالاری، یک الگوی کارآمد، اخلاقی، ارزشی و مردم‌محور را برای نظام مدیریتی اسلامی ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی: الگوی قرآنی، مدیریت کارگزاران، امام خامنه‌ای، تخصص، تقوا، خدمتگزاری

^۱. استادیار گروه قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، enasrollah@gmail.com

مقدمه

در نظام اسلامی، مدیریت کارگزاران دارای جایگاهی استثنایی به شمار می‌آید؛ چرا که این نظام بر پایه ارزش‌های الهی و انسانی بنا شده و هدف آن تحقق عدالت، پیشرفت و تعالی جامعه است. از این رو، مدیریت کارآمد و اثربخش، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در اداره‌ی هر جامعه و سازمان، در دستیابی به اهداف و تحقق آرمان‌ها نقش حیاتی دارد (رایینز، ۱۹۹۸: ۴۵) (دفت، ۱۳۹۲: ۲۲). در نظام اسلامی، اهمیت مدیریت کارگزاران و مدیران دوچندان شده و آن‌ها نه تنها مسئول اجرای امور جامعه بلکه امانت‌داران ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی محسوب می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰۹؛ ج ۱۷: ۱۲۳) (مطهری، ۱۴۲۰، ج ۴: ۵۷۵). به همین دلیل، الگوی مدیریتی آنان باید برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی و همسو با اهداف متعالی این نظام باشد (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، نامه ۵۳)؛ بدین صورت که تبیین یک الگوی مدیریت اسلامی جامع می‌تواند پاسخگوی چالش‌های موجود نظیر فساد اداری، ناکارآمدی و نارضایتی مردمی باشد.

در همین راستا، اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تبیین الگوی مدیریتی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، به‌عنوان راهنمای اصلی مطرح می‌شود. ایشان با تأکید بر سه مؤلفه کلیدی تخصص، تقوا و خدمتگزاری، چارچوبی را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند راهگشای بهبود نظام اداری و اجرایی کشور باشد. تجربیات نشان داده‌اند که فقدان هر یک از این مؤلفه‌ها در عملکرد مدیران، می‌تواند به ناکارآمدی، فساد و نارضایتی عمومی منجر شود. به همین دلیل، شناخت و تبیین الگوی مدیریتی مبتنی بر تلفیق تخصص، تقوا و خدمتگزاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تخصص، به عنوان دانش و مهارت لازم برای انجام وظایف مدیریتی، بنیان کارآمدی و اثربخشی مدیریت محسوب می‌شود (رایینز، ۱۹۹۸: ۷۸) (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ۵۷۰۷). مدیران متخصص با بهره‌گیری از دانش و مهارت خود قادرند تصمیمات صحیح و به‌موقع اتخاذ کرده و منابع سازمانی را به نحو مطلوب مدیریت نمایند (دراکر، ۱۳۹۹: ۵۵). تقوا نیز به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی اخلاقی مدیران اسلامی، ضامن سلامت و درستکاری ایشان در انجام وظایف است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۱۹۳). در همین حال، خدمتگزاری که تعهد به ارائه خدمات صادقانه به مردم را در بر دارد، سومین رکن اساسی این الگوی مدیریتی است. از سوی دیگر، اسلام همواره بر

تعهد، تخصص و سپردن امور به اهل فن تأکید داشته و خواستار آن است که هر فعالیتی به دست افراد توانا و امین سپرده شود (تقوی، ۱۳۷۵: ۱۲۹)؛ در حالی که در نظام‌های سکولار غربی، تعهد در مقابل خداوند مورد توجه قرار نمی‌گیرد و اصول شایستگی تنها بر مبنای دانش و تخصص بنا شده است (حق‌پناه، ۱۳۸۰: ۱۹۲). بنابراین، تفکیک اصلی بین مدیریت اسلامی و مدل‌های مدیریتی رایج در غرب، در تأکید بر تعهد و پابندی به ارزش‌های الهی نهفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۶۲).

با توجه به اهمیت موضوع و چالش‌های موجود در نظام مدیریتی کنونی، این مقاله درصدد است تا با بررسی مبانی قرآنی مدیریت کارگزاران و تحلیل دیدگاه‌های امام خامنه‌ای، الگوی مدیریتی مبتنی بر تلفیق تخصص، تقوا و خدمتگزاری را تبیین نماید. در ابتدا به بررسی مبانی قرآنی مرتبط با تخصص، تقوا و خدمتگزاری پرداخته می‌شود؛ سپس دیدگاه‌های امام خامنه‌ای در این زمینه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، نحوه‌ی تلفیق این سه مؤلفه در الگوی پیشنهادی تشریح و در نهایت ویژگی‌های ممتاز این الگو ارائه می‌شود.

بنابراین، سوالات اصلی تحقیق به شرح زیر است:

الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای چگونه با تأکید بر سه مؤلفه‌ی تخصص، تقوا و خدمتگزاری، تبیین‌گر مدیریتی جامع، کارآمد و اخلاق‌محور در نظام اسلامی است؟

• پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی الگوهای مدیریت اسلامی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و دیدگاه‌های رهبران انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. رحمانی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین الگوی مدیریت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» به تحلیل بیانات معظم‌له در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ پرداخته و الگویی مدیریتی در چهار بُعد اصول، الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری و الزامات عملی استخراج کرده است. این پژوهش بر تحلیل مضامین بیانات رهبری متمرکز بوده و به‌صورت مستقیم به ترکیب آموزه‌های قرآنی با این بیانات پرداخته است.

در مطالعه‌ای دیگر، غفاری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های کنترل و نظارت در سازمان در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» به بررسی نقش نظارت و کنترل در سازمان‌ها از منظر قرآن و بیانات رهبری پرداخته است. این پژوهش بر جنبه‌های کنترلی مدیریت تمرکز داشته و به‌صورت جامع به سایر ابعاد مدیریت کارگزاران پرداخته است.

فدایی اصفهانی و ابوالمعصومی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی مدیریتی و حقوقی کارگزاران نظام اسلامی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای» به بررسی چالش‌های مدیریتی و حقوقی کارگزاران نظام اسلامی از منظر آیات قرآن و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته‌اند. آن‌ها مواردی همچون ضعف مدیریت، انحراف از حق، خیانت، زیر پا گذاشتن حدود الهی، فراموش کردن محرومان و مستضعفان، قانون‌شکنی و انحصارطلبی را به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌ها و آفات کارگزاران نظام اسلامی معرفی کرده‌اند. این پژوهش بر لزوم بازنگری در شیوه‌های مدیریتی کنونی و تبیین معیارهای نوین برای انتخاب و ارزیابی مدیران تأکید دارد.

حیدریان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل شایستگی‌های رفتاری مدیران در تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» با تحلیل سخنرانی‌های ایشان بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰، معیارهای اسلامی مدیریت را استخراج کرده‌اند. آن‌ها ۹ مضمون‌گزینشی شامل آراستگی به فضائل اخلاقی، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری، مردمی بودن، قانون‌گرایی، اقتدار، ساده‌زیستی، تحول‌گرایی و رفتار جهادی را در قالب یک مدل ارائه کرده‌اند.

با بررسی پیشینه پژوهش، مشخص می‌شود که تاکنون مطالعه‌ای جامع که به‌صورت هم‌زمان به تحلیل آموزه‌های قرآنی و بیانات مقام معظم رهبری در زمینه مدیریت کارگزاران با تأکید بر تلفیق سه مؤلفه تخصص، تقوا و خدمتگزاری بپردازد، انجام نشده است. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ علمی، به دنبال ارائه الگویی تلفیقی از مدیریت کارگزاران بر اساس آموزه‌های قرآنی و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است.

• تعریف مفاهیم

در اینجا برخی مفاهیم کاربردی مورد استفاده در مقاله توضیح داده خواهد شد تا در درک بهتر مقاله موثر باشد:

مدیریت کارگزاران: مدیریت کارگزاران در نظام اسلامی، به معنای فرآیند هدایت، تصمیم‌گیری و نظارت بر امور جامعه توسط افرادی است که مسئولیت‌های اجرایی را بر عهده دارند. این مفهوم، جایگاهی بنیادین در ساختار حکمرانی اسلامی دارد؛ زیرا کارگزاران نه فقط مجریان سیاست‌ها، بلکه حاملان امانت الهی در اداره امور مردم‌اند. در این چارچوب، مدیریت کارگزاران با مدل‌های سکولار تفاوتی اساسی دارد؛ چرا که هدف آن صرفاً کارآمدی فنی نیست، بلکه تحقق ارزش‌های الهی همچون عدالت، پیشرفت، سلامت اخلاقی و خدمت به خلق است.

تفاوت مدیریت و رهبری: مدیریت به معنای سازمان‌دهی، هدایت، تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرای امور است و بیشتر بر فرآیندهای اجرایی و عملیاتی تمرکز دارد؛ در حالی که رهبری فراتر از مدیریت، به معنای ایجاد بینش، جهت‌دهی آرمانی و انگیزش معنوی برای جامعه است. در نظام اسلامی، رهبری مسئول ترسیم مسیر کلان و تعیین جهت حرکت تمدنی جامعه است، در حالی که مدیریت کارگزاران، مسئول اجرای دقیق، اخلاقی و کارآمد سیاست‌ها و برنامه‌های ناظر به آن مسیر می‌باشد.

امام خامنه‌ای در بیان تفاوت این دو جایگاه می‌فرماید: «رهبری در کارهای اجرایی کشور هیچ دخالت مستقیمی نمی‌کند؛ نه در قوه مجریه، نه در قوه قضائیه و نه در قوه مقننه. مهمترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست‌های کلان کشور؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص می‌کند؛ که همه قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد.» (بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸). همچنین در جای دیگری تأکید می‌کنند: «رهبری یک مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست. این اشکال و اشتباه هم در طول زمان، از اول انقلاب تا امروز، در بعضی از تبلیغات ادامه دارد. اینجور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرایی است؛ نه، مدیریت اجرایی، مشخص است. مدیریت اجرایی در بخش قوه مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

الگوی قرآنی: الگوی قرآنی به معنای الگویی برگرفته از آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که با معیارهای اخلاقی، معرفتی و عقلانی به هدایت مدیریت و رفتار کارگزاران می‌پردازد. این الگو، برخاسته از نقش راهبردی قرآن در هدایت انسان و طراحی نظام اجتماعی است و برخلاف مدل‌های مدیریتی عرفی و سکولار، بر مبنای حکمت الهی، عدالت، مسئولیت‌پذیری و کرامت انسانی بنا شده است. در الگوی قرآنی، مدیریت صرفاً یک سازوکار اداری یا تکنیکی نیست، بلکه فرآیندی الهی برای تحقق آرمان‌های معنوی، اجتماعی و تمدنی است که در آن اصولی چون شایسته‌سالاری، تقوا، عدالت، و خدمت‌محوری به‌روشنی تبیین شده‌اند.

۱. مبانی قرآنی مدیریت کارگزاران

قرآن کریم، به عنوان کلام الهی و راهنمای جامع بشریت، سرشار از آموزه‌ها و رهنمودهای ارزشمند در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. در این میان، موضوع مدیریت و ویژگی‌های مدیران و کارگزاران صالح، از جمله موضوعاتی است که در آیات متعدد قرآن کریم به آن پرداخته شده است. در این

بخش، با هدف استخراج مبانی قرآنی مدیریت کارگزاران، به بررسی و تحلیل آیات مرتبط با این موضوع پرداخته می‌شود و اصول و مبانی قرآنی مدیریت کارگزاران، به‌ویژه با تأکید بر مولفه‌های تخصص، تقوا و خدمتگزاری، استخراج می‌گردد.

۱-۱. آیات مرتبط با مدیریت در قرآن

در قرآن کریم، آیات متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع مدیریت اشاره دارند. این آیات را می‌توان به دسته‌های مختلفی تقسیم نمود که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• آیات مربوط به ویژگی‌های مدیران و کارگزاران صالح

قرآن کریم در آیات متعددی به ویژگی‌های مدیران و کارگزاران صالح اشاره نموده و این ویژگی‌ها را به عنوان ملاک‌های انتخاب و ارزیابی مدیران معرفی می‌کند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به تخصص و امانت‌داری اشاره نمود که در داستان حضرت یوسف (ع) به آن تصریح شده است: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ «[یوسف] گفت: «مرا بر خزانه‌داری این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم.»» در این آیه، حضرت یوسف (ع) دو ویژگی «حفیظ» (نگهبان و امانتدار) و «علیم» (دانا و متخصص) را به عنوان دلایل شایستگی خود برای تصدی منصب خزانه‌داری مصر ذکر می‌کند. همچنین در داستان دختران حضرت شعیب (ع) به قوت و امانت‌داری به عنوان ویژگی‌های کارگزار شایسته اشاره شده است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ «یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، بی‌گمان بهترین کسی که استخدام می‌کنی نیرومند [و] امین است.»» در این آیه، دختر حضرت شعیب (ع) دو ویژگی «قوی» (نیرومند و توانمند) و «امین» (امانتدار و درستکار) را به عنوان ملاک استخدام حضرت موسی (ع) پیشنهاد می‌کند. و یا طالوت به سبب داشتن آگاهی‌های گسترده و بدنی قوی و نیرومند به فرماندهی سپاه بنی‌اسرائیل در جنگ با جالوت متجاوز انتخاب شد (بقره: ۲۴۷)

• آیات مربوط به اصول و مبانی مدیریت اسلامی

قرآن کریم، علاوه بر ویژگی‌های مدیران، به اصول و مبانی حاکم بر مدیریت اسلامی نیز اشاره نموده است. از جمله این اصول می‌توان به مشورت و شورا اشاره نمود که در آیات متعددی بر آن تأکید شده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ «و در کار[ها] با آنان مشورت کن.» و «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)؛ «و کارشان در میانشان مشورت است.» تأکید مکرر قرآن بر مشورت و شورا، به ویژه در امور مهم و سرنوشت‌ساز،

مصادیقی از اصل مشارکت‌جویی و خرد جمعی در مدیریت اسلامی است. داستان جنگ اُحُد و نزول آیه‌ی مشورت پس از آن (آل عمران: ۱۵۹)، نشان از اهمیت مشورت حتی در شرایط بحرانی و پس از وقوع اشتباهات دارد. همچنین عدالت و قسط به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت اسلامی در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)؛ «به راستی خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد.» و «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛ «و چون میان مردم داوری می‌کنید، به داد داوری کنید.» همچنین امانت‌داری و وفای به عهد (مؤمنون: ۸، معارج: ۳۲، نظم و انضباط (قمر: ۴۹، احزاب: ۳۸) و برابری و مساوات (حجرات: ۱۳، نساء: ۱) از جمله مهم‌ترین اصول و مبانی مدیریتی هستند که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

• آیات مربوط به مسئولیت و پاسخگویی مدیران در برابر خداوند و مردم و خدمتگزاری به آنها

این دسته از آیات، بر جنبه‌ی تکلیفی و تعهدآور مدیریت در نظام اسلامی تأکید نموده و مسئولیت سنگین مدیران در قبال خداوند، جامعه و نسل‌های آینده را یادآور می‌شوند. آیاتی که به حسابرسی در روز قیامت (مریم: ۹۵)، نهی از خیانت در امانت (انفال: ۲۷)، و تأکید بر ادای حقوق مردم (بقره: ۲۷۹، نساء: ۵۸) اشاره دارند، در این دسته جای می‌گیرند. آیه‌ی «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: ۲۴)؛ «و آنان را بازدارید که آنان بازخواست‌شدگانند.» به روشنی بر اصل پاسخگویی مدیران و کارگزاران در پیشگاه عدل الهی دلالت دارد و نشان می‌دهد که مسئولیت مدیریت، صرفاً یک منصب دنیوی نیست، بلکه تعهدی الهی است که بازخواست و حسابرسی در پی خواهد داشت. لذا باید تمام تلاش را در جهت خدمت به مردم انجام داد؛ چه در گفتار «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) و چه در عمل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل: ۹۰). و از طرفی باید با مردم با رحمت و نرم‌خویی «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹) و تواضع و فروتنی در برابر مؤمنانی که از رهبر پیروی می‌کنند، برخورد شود «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (ص: ۲۶)

۲-۱. تحلیل و تفسیر آیات کلیدی و استخراج اصول قرآنی

با بررسی و تحلیل عمیق‌تر آیات دسته‌بندی‌شده و بهره‌گیری از تفاسیر معتبر قرآن کریم، می‌توان اصول و مبانی قرآنی مدیریت کارگزاران را با تفصیل بیشتری استخراج نمود:

۱-۲-۱. اصل تخصص و شایسته‌سالاری: بنیاد کارآمدی و عدالت

آیه‌ی ۵۵ سوره یوسف (ع) به عنوان محور اصلی در تبیین اصل تخصص و شایسته‌سالاری در مدیریت قرآنی مطرح است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، حضرت یوسف (ع) دو ویژگی «حفیظٌ علیم» (نگهبان دانا) را به عنوان ملاک شایستگی خود ذکر می‌کند. تفسیر المیزان در ذیل این آیه، «حفیظ» بودن را به معنای «توانایی حفظ و نگهداری اموال و منابع» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۲۰۳) و «علیم» بودن را به معنای «دانش و آگاهی به روش‌های صحیح مدیریت و اداره‌ی امور» تفسیر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۲۰۰-۲۰۱) این آیه دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است، و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است، چرا که «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۱۰). داستان حضرت سلیمان (ع) و حکومت بی‌نظیر ایشان در قرآن کریم (نمل: ۱۵-۴۴) نیز مصداق دیگری از مدیریت مبتنی بر تخصص و دانش است. حضرت سلیمان (ع) با بهره‌گیری از علم و حکمت الهی و تخصص در زمینه‌های مختلف، حکومتی عادلانه و آبادان را بنیان نهاد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۴۲۱-۴۵۰) در روایات نیز بحث علم و تخصص در انجام کار مورد تأکید هست؛ رسول خدا ص در روایتی فساد کاری را که بدون علم و آگاهی انجام گیرد را بیش از اصلاح آن دانسته اند. (کلینی، ۱۴۰۷، جلد ۱: ۳۵)

اصل تخصص و شایسته‌سالاری در مدیریت قرآنی، فراتر از صرفاً داشتن دانش فنی، شامل جامعیت در تخصص، به‌روز بودن دانش، و توانایی انطباق با شرایط متغیر نیز می‌گردد. قرآن کریم، با اشاره به داستان حضرت داوود (ع) و زره‌سازی ایشان (انبیاء: ۸۰)، بر اهمیت تخصص کاربردی و مهارت‌های عملی در کنار دانش نظری تأکید می‌نماید. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۳۲۹) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۹۲)

۱-۲-۲. اصل تقوا و اخلاق‌مداری: ضمانت سلامت و عدالت‌گستری

آیات قرآن کریم، به ویژه آیه‌ی ۵۵ سوره یوسف (ع) و آیه‌ی ۲۶ سوره قصص، بر اهمیت تقوا و امانت‌داری در کنار تخصص تأکید دارند. تفسیر نور، ذیل آیه‌ی ۲۶ سوره قصص، «امین» بودن را به معنای «تعهد» تفسیر می‌کند و «قوی» بودن را به معنای «تخصص» (قرائتی، ۱۳۸۸، جلد ۷: ۴۰). این تفسیر، نشان می‌دهد که قرآن کریم، اخلاق و دیانت را به عنوان مکمل و قوام‌بخش تخصص در مدیریت می‌داند. داستان حضرت موسی (ع) و پذیرش مسئولیت شبانی گوسفندان حضرت شعیب (ع) (قصص: ۲۷) و سپس پذیرش رسالت الهی (طه: ۱۳-۱۴)

۳۶)، مصداقی از پیوند وثیق تقوا و مسئولیت‌پذیری در مدیریت قرآنی است. حضرت موسی (ع) با اثبات امانتداری و تعهد خود در امور کوچک، شایستگی خود برای تصدی مسئولیت‌های بزرگ‌تر را نشان داد.

تقوا در مدیریت قرآنی، تنها به پرهیز از گناهان فردی محدود نمی‌شود، بلکه شامل رعایت عدالت در تصمیم‌گیری‌ها، پرهیز از تبعیض و پارتی‌بازی، حفظ حقوق بیت‌المال، و مبارزه با فساد نیز می‌گردد. قرآن کریم، در آیات متعدد، بر لزوم برپایی قسط و عدل در جامعه (حدید: ۲۵، مائده: ۸) و مبارزه با فساد و مفسدین (بقره: ۱۱-۱۲، اعراف: ۵۶) تأکید می‌نماید که این امر، از وظایف اصلی مدیران متقی در نظام اسلامی است.

۱-۲-۳. اصل مشورت و مشارکت: خرد جمعی و پرهیز از استبداد رأی

آیات ۱۵۹ سوره آل‌عمران و ۳۸ سوره شوری به صراحت بر اصل مشورت و شورا در مدیریت تأکید دارند. تفسیر مجمع‌البیان، «مشورت» را به معنای «به دست آوردن نظر و رای دیگران برای رسیدن به بهترین تصمیم» تفسیر می‌کند و این آیه را دلیلی بر «لزوم مشورت با اهل نظر و خرد در امور مهم» می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۶۹). سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها و صلح‌ها، و مشورت ایشان با صحابه و بزرگان قوم، نمونه‌ای بارز از عمل به اصل مشورت در مدیریت نبوی است. مشورت پیامبر (ص) با اصحاب در جنگ اُحُد، هرچند در نهایت منجر به شکست ظاهری شد، اما درس‌های ارزشمندی در خصوص اهمیت مشورت و تحمل نظر مخالف را به همراه داشت.

مشورت در مدیریت قرآنی، تنها به مشورت با نخبگان و خواص محدود نمی‌شود، بلکه شامل مشارکت دادن عموم مردم در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سرنوشت آنان نیز می‌گردد. قرآن کریم، با تأکید بر مفهوم «امت واحده» (انبیاء: ۹۲، مؤمنون: ۵۲) و «تعاون بر برّ و تقوا» (مائده: ۲)، بر اهمیت مشارکت جمعی و همکاری عمومی در اداره‌ی امور جامعه تأکید می‌نماید.

۱-۲-۴. اصل خدمتگزاری و مردم‌داری: غایت مدیریت اسلامی

اگرچه در آیات مورد بررسی، به صراحت از واژه‌ی «خدمتگزاری» استفاده نشده است، اما روح حاکم بر قرآن کریم و سیره‌ی پیامبران الهی (ع)، بر خدمت به خلق و تلاش برای رفع نیازهای مردم تأکید دارد. در مجمع البیان ذیل آیه ۹۰ سوره نحل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» آمده است که «امر به عدل» به معنی «انصاف با مردم و تعامل معتدلانه» هست و «امر به احسان» شامل هرگونه کمک و خدمت به دیگران، چه از روی استحقاق

و چه از روی تفضل، چه با گفتار و چه با رفتار را شامل می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۸۶) و این خود از مهم‌ترین مصادیق خدمتگزاری به مردم است.

سیره‌ی پیامبران الهی (ع)، به ویژه پیامبر اکرم (ص)، مملو از مصادیق خدمتگزاری و مردم‌داری است. پیامبر اکرم (ص) خود را «خادم مردم» می‌دانستند و می‌فرمودند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۸) و همواره در جهت رفع نیازها و مشکلات جامعه تلاش می‌کردند. برپایی حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) نیز، نه برای کسب قدرت و سلطنت، بلکه برای تحقق عدالت، گسترش امنیت و آسایش، و خدمت به مردم بود. پیامبر اکرم مامور بود حتی در صورت خطا و اشتباهات امت (جنگ احد) آنها را مورد عفو و مهربانی قرار دهد (آل عمران: ۱۵۹) و با تواضع و فروتنی با مومنان برخورد کند. (ص: ۲۶) این خود نمونه‌ی اعلا‌ی مردم‌داری است.

خدمتگزاری در مدیریت قرآنی، تنها به رفع نیازهای مادی مردم محدود نمی‌شود، بلکه شامل تلاش برای هدایت و ارشاد آنان، ارتقای سطح فرهنگ و آگاهی جامعه، و زمینه‌سازی برای سعادت دنیوی و اخروی همگان نیز می‌گردد. قرآن کریم، با تأکید بر مفهوم «دعوت به سوی خدا» (فصلت: ۳۳، نحل: ۱۲۵) و «امر به معروف و نهی از منکر» (آل عمران: ۱۰۴، توبه: ۷۱)، مدیران و کارگزاران نظام اسلامی را به «خدمتگزاری جامع و فراگیر» فرا می‌خواند.

۲. دیدگاه امام خامنه‌ای در مورد مدیریت کارگزاران

اندیشه و رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سکandar کشتی انقلاب اسلامی، به مثابه چراغ راهی برای نظام مدیریتی جمهوری اسلامی ایران عمل کرده و همواره نقشه راهی روشن برای حرکت به سوی تعالی و پیشرفت را فراروی مدیران و کارگزاران این نظام قرار داده است. ایشان، با درک عمیق از اهمیت و نقش بی‌بدیل مدیریت در نیل به اهداف والای نظام اسلامی، به طور مستمر بر ضرورت تحول و تعالی نظام مدیریتی کشور تأکید ورزیده و ویژگی‌های مدیران و کارگزاران تراز این نظام را با ظرافت و دقت تبیین نموده‌اند. در این بخش، به کاوش در ژرفای اندیشه‌های مدیریتی امام خامنه‌ای پرداخته و به تحلیل جامع دیدگاه‌های ایشان در مورد مدیریت کارگزاران، با تمرکز ویژه بر سه رکن تخصص، تقوا و خدمتگزاری همت خواهیم گمارد.

۱-۲. مدیریت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای: امانت الهی و فرصت خدمتگزاری

امام خامنه‌ای، در منظومه فکری خود، مدیریت را نه صرفاً یک منصب اداری، بلکه امانت الهی و ودیعه‌ای ارزشمند تلقی می‌کنند که بر دوش کارگزاران نظام اسلامی نهاده شده است (بیانات در مراسم اعطای حکم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲). ایشان، با نگاهی عمیق و جامع به ماهیت مدیریت در نظام اسلامی، آن را فرصتی بی‌بدیل برای خدمتگزاری به مردم و جامعه می‌دانند و معتقدند که مدیران در نظام اسلامی باید با تمام توان و ظرفیت خود، در جهت رفع مشکلات و نیازهای مردم و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گام بردارند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶). از این رو، در اندیشه ایشان، مدیریت در نظام اسلامی، مسئولیتی سنگین و تعهدی بزرگ است که نیازمند شایستگی، دلسوزی و از خودگذشتگی است.

امام خامنه‌ای، بارها در بیانات خود، مدیران را به «اغتنام فرصت مسئولیت» و «خدمت بی‌منت به مردم» توصیه نموده‌اند و هرگونه غفلت، سهل‌انگاری و سوء استفاده از منصب مدیریت را، خیانت به امانت الهی و جفای به مردم دانسته‌اند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۰۴). ایشان با تأکید بر این نکته که «مردم، ولی نعمتان انقلاب اسلامی هستند» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۳/۲۰)، مدیران را به «تواضع و فروتنی در برابر مردم» (بیانات در دیدار نمایندگان یازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۳/۰۳) و «تلاش بی‌وقفه برای جلب رضایت آنان» فرا می‌خوانند (بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸). از منظر ایشان، مدیر موفق در نظام اسلامی، کسی است که بتواند با بهره‌گیری از توانمندی‌های خود، گره‌ای از مشکلات مردم بگشاید و لبخندی بر لبان آنان بنشاند.

۲-۲. ویژگی‌های مدیران تراز اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای

امام خامنه‌ای، با تبیین دقیق و جامع ویژگی‌های مدیران تراز نظام اسلامی، الگویی راهگشا و عملی برای انتخاب، تربیت و ارزیابی مدیران در سطوح مختلف نظام ارائه داده‌اند. در میان این ویژگی‌ها، سه عنصر کلیدی تخصص، تقوا و خدمتگزاری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به مثابه اضلاع مثلثی مستحکم، شاکله‌ی اصلی مدیریت اسلامی را در اندیشه ایشان شکل می‌دهند.

۲-۱-۲. تخصص: بنیان کارآمدی و اثربخشی

در اندیشه امام خامنه‌ای، کارآمدی و اثربخشی از اساسی‌ترین مسائل برای نظام اسلامی و مدیران آن به شمار می‌رود. ایشان بارها بر اهمیت وجود مدیران متخصص و کاردان در سطوح مختلف تاکید داشته‌اند. به اعتقاد ایشان، «کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰). این کارآمدی، لازمه مشروعیت نظام و مدیران آن است؛ چنانکه ایشان می‌فرمایند: «مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است... و هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱).

امام خامنه‌ای، تخصص را یکی از ارکان اصلی کارآمدی می‌داند. ایشان بر لزوم «ساختن و تربیت نیروی متخصص در تمام بخشها» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه به مناسبت هفته‌ی قوه‌ی قضائیه، ۱۴۰۲/۰۴/۰۶) تاکید دارند و معتقدند که «بهترین متخصصان در این زمینه‌ها باید در رأس این کار باشند و در باره‌ی این مسئله نظر بدهند.» (بیانات در دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷). ایشان ضمن توجه به اهمیت تخصص‌گرایی در جهت بهبود امور، بر ضرورت بهره‌مندی مدیران از دانش فراتر از حوزه تخصصی خود نیز تاکید می‌کنند (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت علامه قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۹۱/۰۹/۱۳).

علاوه بر تخصص، امام خامنه‌ای بر ویژگی‌های دیگری چون صداقت و مسئولیت‌پذیری در مدیران تاکید دارند و هنر مدیر را در «مسئولیت‌پذیری» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴) می‌دانند. همچنین، ایشان انتخاب مدیران متدین و «حزب‌اللهی» را که آماده انجام تکلیف الهی هستند، اولویت می‌دانند و معتقدند که در نظام اسلامی، فرد دارای روحیه حزب‌اللهی بر غیر آن ترجیح دارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان، ۱۳۷۱/۰۵/۰۷). بنابراین، در اندیشه امام خامنه‌ای، تخصص به همراه تعهد، مسئولیت‌پذیری و پیگیری مستمر، بنیان کارآمدی و اثربخشی مدیران در نظام اسلامی را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر این، کارآمدی نظام اسلامی وابسته به ایجاد یک فرهنگ سازمانی است که در آن مدیران علاوه بر تخصص، باید دارای ارزش‌های اخلاقی و معنوی مانند تقوا و خدمتگزاری باشند؛ زیرا تنها تلفیق تخصص با تقوا می‌تواند منجر به جلوگیری از فساد و تحقق عدالت در عملکرد مدیریتی گردد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۳/۰۶/۳۱). در این چارچوب، مدیران با بهره‌گیری از دانش تخصصی، نقش اصلی در بهبود

کارایی نظام و تقویت مشروعیت سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند؛ به طوری که کارآمدی کل سیستم، حاصل همگام‌سازی تخصص، اخلاق و تعهد به خدمت به مردم خواهد بود (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

۲-۲-۲. تقوا: ضمانت سلامت و انحراف‌ناپذیری

تقوا در اندیشه اسلامی به عنوان یک اصل بنیادین اخلاقی و معنوی، همواره مورد تأکید بوده است. امام خامنه ای نیز با توجه به اهمیت این مفهوم، آن را به عنوان شاخصی اساسی برای مدیران و مسئولان در نظام اسلامی مطرح کرده‌اند. از دیدگاه امام خامنه ای، تقوا به معنای شدت مراقبتی است که انسان در اعمال شخصی خود از راه حق تخطی نکند و کاملاً مراقب خویش باشد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۱/۰۶/۳۰). ایشان ابعاد مختلف تقوا را برای مدیران در نظام اسلامی تبیین می‌کنند: تقوای فردی، تلاش هر فرد بین خود و خدا برای عدم انحراف از مسیر صلاح و حق است (بیانات در دیدار اعضای ستادهای جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵). تقوای سیاسی، صداقت، دلسوزی و پرهیز از فریبکاری و دروغ‌گویی در عرصه سیاست را شامل می‌شود (همان). تقوای اقتصادی، انتخاب راه درست در کسب و کار و اجتناب از حرام‌خوری و دست‌اندازی به اموال عمومی است (همان). و تقوای اجتماعی، برخورد منصفانه، خدا ترسانه، توأم با امانت و صداقت با مردم در محیط‌های مختلف را در بر می‌گیرد (همان).

اهمیت تقوا در سلامت و انحراف‌ناپذیری دستگاه مدیریت جامعه از نظر امام خامنه ای بسیار حائز اهمیت است. ایشان معتقدند اگر مدیریت و رأس جامعه از صلاح و سلامت و عدل و تقوا دور باشد، حتی اگر در میان مردم صلاح وجود داشته باشد، آن صلاح نمی‌تواند جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. تأثیر مدیریت ناسالم بر جامعه به قدری است که می‌تواند تلاش‌های افراد صالح را بی‌اثر نماید (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). در مقابل، مدیریت صالح و سالم می‌تواند خطاهای جزئی جامعه را قابل اغماض ساخته و مسیر پیشرفت را هموار سازد.

مدیران متقی در نظام اسلامی از دیدگاه امام خامنه ای دارای ویژگی‌های برجسته‌ای هستند. حفظ طهارت و تقوا، اجتناب از هرگونه اختلاط با اهداف نامشروع و غیراخلاقی، و رعایت اصول اخلاقی صحیح در انجام وظایف از جمله این ویژگی‌هاست. ایشان تأکید می‌کنند که در نظام اسلامی، مقابله با رسوخ فساد از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است و مدیران باید با دقت مراقب خطر نفوذ فساد باشند (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲).

مسئولان ارشد نظام در قبال تقوا و انجام وظایف به نحو احسن، مسئولیت سنگین‌تری بر عهده دارند. امام خامنه‌ای بیان می‌دارند که بزرگ‌ترین مظهر تقوای این مسئولان، ایفای کامل و بدون نقص مسئولیت قانونی‌شان است. انجام صحیح این وظایف، تأثیر مستقیم بر آبادانی کشور و جبران عقب‌ماندگی‌ها خواهد داشت (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱).

امام خامنه‌ای با اشاره به ضرورت دوری مسئولان از تجملات و داشتن زندگی معمولی، این امر را از لوازم تقوا می‌دانند (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴). ایشان با ذکر نمونه‌هایی از زندگی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، ساده‌زیستی و پرهیز از مال‌اندوزی و اشرافی‌گری را به عنوان روشی متفاوت از اهل دنیا و پیروان شیطان معرفی می‌کنند و از مسئولان می‌خواهند که این خط مشی را سرلوحه خود قرار دهند.

مراقبت دائمی مدیران بر اعمال، رفتار و گفتار خود نیز از دیگر تأکیدات امام خامنه‌ای است. ایشان این مراقبت را موجب حفظ انسان در صراط مستقیم الهی و دستیابی به برکات فراوان می‌دانند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۶/۰۶/۲۶). تقوا موجب می‌شود که مدیران هم درست بفهمند، هم درست بیان و عمل کنند و در نتیجه، موفقیت جامعه حتمی گردد (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱).

در نهایت، از منظر امام خامنه‌ای، تقوا با ابعاد گوناگون فردی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ضامن اصلی سلامت، کارآمدی و انحراف‌ناپذیری نظام مدیریت اسلامی است. التزام عملی مدیران به این اصل اساسی، زمینه ساز پیشرفت و تعالی جامعه و تحقق آرمان‌های نظام اسلامی خواهد بود.

۲-۳. خدمتگزاری: غایت و جوهره‌ی مدیریت اسلامی

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، مفهوم «خدمتگزاری» جایگاهی محوری و اساسی در تبیین ماهیت و اهداف مدیریت اسلامی دارد. بررسی بیانات ایشان نشان می‌دهد که خدمت به مردم نه صرفاً یک وظیفه اداری، بلکه اصلی بنیادین و جوهره‌ی اصلی نظام اسلامی محسوب می‌شود. این رویکرد، نقش و جایگاه مسئولان را در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای متمایز تعریف می‌کند و معیار سنجش عملکرد آنان را میزان تلاش و فداکاری در راه خدمت به ملت قرار می‌دهد.

امام خامنه‌ای با تأکیدات مکرر، مسئولان نظام اسلامی را «خدمتگزاران مردم» و حتی به تعبیری روشن‌تر، «نوکران مردم» می‌خوانند (بیانات در دیدار مردم دامغان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۹). ایشان تصریح می‌کنند که در دوران جمهوری اسلامی، تنها وظیفه‌ای که بر عهده‌ی مسئولان کشور قرار دارد، خدمت به مردم است (همان). این دیدگاه، قدرت و منصب مدیریتی را نه وسیله‌ای برای کسب امتیاز و یا اعمال سلطه، بلکه فرصتی برای ادای دین به مردم و تلاش برای رفع نیازهای آنان تلقی می‌کند. از این منظر، مردم حق دارند که از مسئولان کار و خدمت لازم را مطالبه کنند و این توقع، کاملاً به جا و بر حق است (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

در اندیشه امام خامنه‌ای، خدمت به مردم از چنان ارزشی برخوردار است که در ردیف برترین عبادات قرار می‌گیرد. ایشان می‌فرمایند: «شاید هیچ عبادتی بالاتر از عبادت مسئولی نیست که به خاطر تلاش و خدمت به مردم، از راحت و آسایش و امنیت خود صرف‌نظر می‌کند» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲) و در جای دیگر با تأکید می‌فرمایند: «عزیزان من! هیچ عبادتی بالاتر از خدمت به مردم نیست» (بیانات در دیدار مسئولان شوراهای اسلامی، ۱۳۷۸/۰۳/۰۴). این نگرش، به خدمتگزاری رنگ و بوی معنوی می‌بخشد و آن را به انگیزه‌ای الهی برای مسئولان تبدیل می‌کند. ایشان قدردانی از این ملت بزرگ، شجاع، مؤمن و با اخلاص را در گرو خدمت به آنان می‌دانند و خدمتگزار بودن برای چنین ملتی را افتخاری بزرگ برمی‌شمارند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲).

امام خامنه‌ای در تبیین نقش متقابل مردم و مسئولان، معتقدند که «شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است» (بیانات در دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۸/۰۴/۱۵). این سخن نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، خدمت صادقانه و تلاش مسئولانه، بهترین سپاسگزاری از نعمت مسئولیت است و در مقابل، مردم نیز با حفظ وحدت و همدلی، از این تلاش‌ها قدردانی می‌کنند و زمینه‌ی استمرار و اثربخشی آن‌ها را فراهم می‌آورند.

از منظر امام خامنه‌ای، کسب قدرت و توانایی مدیریت در نظام جمهوری اسلامی، یک نعمت الهی است که فرصت خدمتگزاری به مردم را فراهم آورده است (شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۰۲/۱۰). ایشان این فرصت را بهترین وسیله برای امتحان الهی می‌دانند و معتقدند که خداوند متعال

مسئولان را از طریق نحوه‌ی خدمتشان به مردم مورد سنجش قرار می‌دهد (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵).

امام خامنه‌ای، خدمت به مردم را نه تنها یک وظیفه و عبادت، بلکه مهم‌ترین راه مبارزه با دشمنان نیز معرفی می‌کند. ایشان تأکید دارند که «بزرگترین مبارزه‌ی با امریکا، خدمت به این مردم است» و هر کس که خواهان مبارزه‌ای اساسی با دشمنان این ملت است، باید به خدمتگزاری صادقانه بپردازد (بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴). ایشان همچنین معتقدند که شیرینی کام مردم در گرو مشاهده‌ی تلاش مسئولان برای خدمت صادقانه، پیگیرانه و عالمانه به آنان است (بیانات در دیدار اعضای شورای شهر و شهردار تهران، ۱۳۸۲/۰۹/۱۷).

در نهایت، از دیدگاه امام خامنه‌ای، خدمتگزاری نه یک امر حاشیه‌ای و یا یک فضیلت ثانویه، بلکه فلسفه وجودی نظام اسلامی و غایت و جوهره‌ی مدیریت در این نظام است. ایشان تأکید دارند که مسئولان برای خدمت به مردم آمده‌اند و فلسفه‌ی وجود آن‌ها نیز همین امر است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵). این نگرش، مسئولیت سنگینی را بر دوش مدیران و کارگزاران نظام می‌گذارد و آنان را موظف می‌سازد که تمام توان و تلاش خود را در راه خدمت به مردم و ارتقای سطح زندگی آنان به کار گیرند.

۲-۳. پیوند ناگسستنی تخصص، تقوا و خدمتگزاری در اندیشه امام خامنه‌ای

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، سه عنصر تخصص، تقوا و خدمتگزاری ارکان اصلی مدیریت اسلامی کارآمد در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. این سه ویژگی، اضلاع یک مثلث مستحکم هستند که تعامل سازنده و پیوند ناگسستنی میان آنها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و فقدان هر یک، ساختار مدیریت اسلامی را دچار نقص می‌کند.

در اندیشه امام خامنه‌ای، تخصص به عنوان مبنای کارآمدی، بدون تقوا می‌تواند به انحراف و سوء استفاده منجر شود، و تقوا بدون تخصص ممکن است اثربخشی لازم را نداشته باشد. ایشان با رد دوگانگی کاذب تعهد و تخصص، می‌فرمایند: «اوّل انقلاب در زمان بنی‌صدر، اسم این دعوا، دعوی تعهد و تخصص بود؛ مثلاً حزب جمهوری اسلامی و شهید بهشتی می‌گفتند تعهد هم ملاک است و بنی‌صدر می‌گفت اینها به اسم تعهد می‌خواهند تخصص را بکوبند. تعهد اسلامی اجازه نمیدهد غیر متخصص مسئولیتی در حکومت قبول کند. ما دوقطبی تعهد

و تخصص نداریم. در شریعت اسلام کسی که در کاری تخصص ندارد - و مجبور هم نیست - یا کسی از او متخصص تر هست، حرام است آن شغل را قبول کند. نمیشود گفت ما خلبان نیستیم، ولی عوضش متعهد هستیم؛ می‌نشینیم پشت هواپیما و توکل بر خدا راه می‌افتیم! اینجا باید گفت تو تعهد نداری، نه اینکه فقط تخصص نداری.» (غفاری، ۱۳۹۸: ۳۰۲) این سخن به روشنی نشان می‌دهد که از دیدگاه امام خامنه‌ای، تعهد واقعی به اسلام و نظام اسلامی، مستلزم آن است که افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها، از تخصص و شایستگی لازم برخوردار باشند. مدیر متخصص اما بی‌تقوا، ممکن است دانش و مهارت خود را در جهت منافع شخصی، گروهی یا حزبی به کار گیرد و از خدمتگزاری واقعی به مردم باز بماند. در مقابل، مدیر متقی بدون تخصص کافی، هرچند ممکن است نیت خیر داشته باشد، اما به دلیل عدم برخورداری از دانش و مهارت لازم، قادر به ارائه خدمات مطلوب و حل مشکلات جامعه نخواهد بود. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تایید این مطلب می‌نویسد: «آنها که در سپردن مسئولیتها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت می‌کنند، به همان اندازه در اشتباهند که برای پذیرش مسئولیت داشتن تخصص را کافی بدانند... منطق اسلام این است که هر کار باید به دست افرادی نیرومند و توانا و امین باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، جلد ۱۶: ۶۷) این سخنان به وضوح نشان می‌دهند که هم تخصص و توانایی و هم امانتداری و پاکی، لازمه مدیریت صحیح هستند.

ثانیاً، خدمتگزاری که غایت و جوهره‌ی مدیریت اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای است، بدون تخصص لازم، ممکن است به اقدامات غیر مؤثر و حتی مضر منجر شود. شور و انگیزه خدمت به مردم زمانی به نتایج مطلوب خواهد رسید که با دانش، مهارت و برنامه‌ریزی دقیق همراه باشد. همچنین، خدمتگزاری بدون تقوا می‌تواند به ریاکاری، تظاهر و تلاش برای کسب محبوبیت کاذب بدل شود و از هدف اصلی خود که رضایت الهی و خدمت واقعی به مردم است، منحرف گردد.

در نهایت، تقوا به عنوان ضمانت سلامت و انحراف‌ناپذیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی صحیح تخصص و خدمتگزاری ایفا می‌کند. مدیر متقی و متعهد، با مراقبت دائمی از اعمال، رفتار و گفتار خود، از هرگونه انحراف، فساد و بی‌عدالتی دوری می‌گزیند و تلاش می‌کند تا تخصص خود را در جهت خدمت به مردم و تحقق اهداف نظام اسلامی به کار گیرد. تقوا، انگیزه خدمتگزاری را از امیال نفسانی و منافع شخصی پاک می‌کند و آن را به یک وظیفه الهی و یک عبادت خالصانه تبدیل می‌نماید.

بنابراین، مدیر تراز اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای، فردی است که با بهره‌مندی از تخصص، تقوا و روحیه خدمتگزاری، می‌تواند به طور مؤثر در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی گام بردارد. این سه عنصر به هم پیوسته، شرط لازم برای مدیریت کارآمد و مشروع در نظام جمهوری اسلامی ایران هستند. فقدان هر یک از این عناصر، نه تنها کارآمدی نظام را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به مشروعیت آن نیز آسیب وارد کند. از این رو، تربیت، انتخاب و ارزیابی مدیران در سطوح مختلف نظام باید با توجه به این سه معیار اساسی و پیوند ناگسستنی آنها صورت پذیرد.

۳. الگوی قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای

۳-۱. تبیین الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای

در اندیشه امام خامنه‌ای، مدیریت کارگزاران در نظام اسلامی مبتنی بر سه مؤلفه کلیدی است: تخصص، تقوا و خدمتگزاری. این سه گانه نه تنها از اصول محوری در بیانات ایشان است، بلکه عیناً با آموزه‌های قرآنی همخوانی دارد. در بُعد تخصص، تأکید رهبری بر حضور مدیران کاردان، همان آموزه‌ای است که در آیه ۵۵ سوره یوسف، با توصیف «حفیظٌ علیم» نمود یافته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۲۰۰-۲۰۳). در بُعد تقوا، ریشه سلامت مدیریتی در رعایت اصول اخلاقی و امانت‌داری است؛ همان‌گونه که قرآن در وصف حضرت موسی (ع) از «قوی الامین» یاد می‌کند (قصص: ۲۶)، که در تفسیر، به معنای تلفیق تعهد و توانمندی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۴۰). در بُعد خدمتگزاری، رهبری «خدمت به مردم» را جوهره مدیریت اسلامی می‌دانند (بیانات ۱۳۸۵/۰۸/۱۹)؛ هم‌راستا با روح آیه (نحل: ۹۰) درباره عدل و احسان که طبرسی آن را به هرگونه خدمت به خلق تفسیر می‌کند (۱۳۷۲، ج ۶: ۵۸۶).

بدین‌سان، الگوی مدیریتی امام خامنه‌ای، بر پایه اصول قرآنی و در پیوند ناگسستنی این سه ویژگی، طرح‌ریزی شده است؛ الگویی که هم اثربخشی دارد و هم مشروعیت اخلاقی..

۳-۲. وجوه الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای: منشور تعالی با سه وجه نورانی

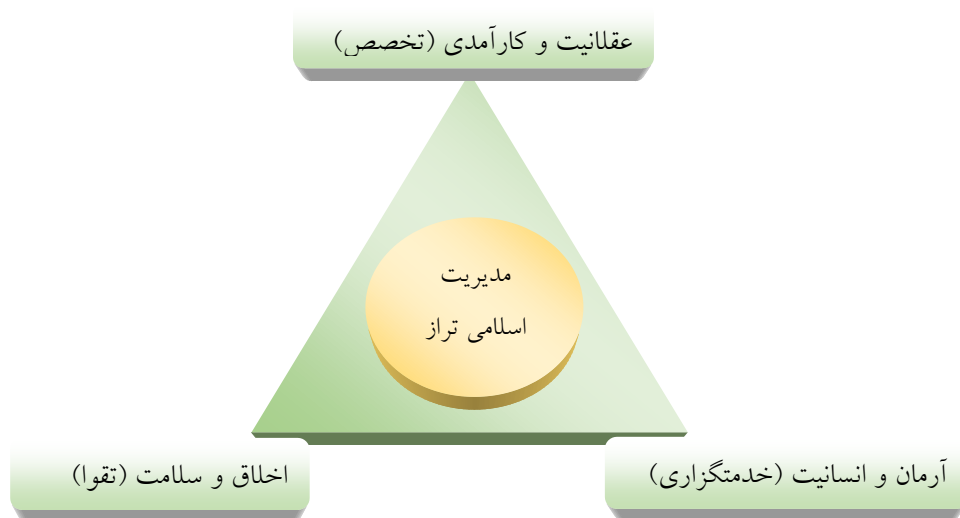
الگوی قرآنی مدیریت از منظر امام خامنه‌ای، در قالب «منشور تعالی» با سه وجه نورانی ترسیم می‌شود:

- عقلانیت و کارآمدی (تخصص): بهره‌مندی از دانش، مهارت و تصمیم‌گیری عقلانی در اداره جامعه.

- اخلاق و سلامت (تقوا): پایبندی به عدالت، امانت‌داری و پرهیز از فساد.

- آرمان و انسانیت (خدمتگزاری): تلاش برای رفاه، کرامت و رضایت مردم به مثابه غایت مدیریت اسلامی.

رمز کارآمدی این الگو، در تلفیق متعادل و هم‌زمان این سه بُعد است؛ یعنی مدیر تراز اسلامی، تنها زمانی می‌تواند الگویی موفق باشد که هم متخصص باشد، هم متقی، و هم خدمتگزار واقعی مردم. این تعامل سه‌گانه، الگویی جامع، اخلاق‌محور و مردم‌سالار را در نظام اسلامی رقم می‌زند.



۳-۳. ویژگی‌های ممتاز الگوی قرآنی مدیریت در اندیشه امام خامنه‌ای

الگوی قرآنی مدیریت در اندیشه امام خامنه‌ای، با تلفیق آموزه‌های وحیانی و عقلانیت مدیریتی، الگویی ممتاز و منسجم ارائه می‌دهد که دارای چهار ویژگی بنیادین است:

وحدت‌محوری: این الگو، پیوندی هماهنگ میان وحی و عقل، دین و دنیا، معنویت و مادیت در عرصه مدیریت برقرار می‌کند.

جامعیت: با تأکید بر سه‌گانه‌ی تخصص، تقوا و خدمتگزاری، توازنی میان کارآمدی، اخلاق و مردم‌داری ایجاد می‌نماید.

کارآمدی: با محوریت تخصص و توانمندی، بر اثربخشی نظام مدیریتی و بهره‌وری تأکید دارد.

تعالی‌گرایی: با توجه به تقوا و خدمت، افق مدیریت را در جهت ارزش‌های الهی و رشد معنوی ترسیم می‌کند.

این ویژگی‌ها، الگوی قرآنی را از الگوهای صرفاً مادی‌گرا یا ایدئولوژیک متمایز می‌سازد و زمینه‌ساز شکل‌گیری نظامی مدیریتی است که همزمان سلامت، کارآمدی و تعالی را در مسیر پیشرفت مادی و معنوی جامعه تأمین می‌نماید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای، چارچوبی جامع و چندبعدی است که با تلفیق آموزه‌های وحیانی قرآن و دستاوردهای عقلانی مدیریت، نقشی کلیدی در ایجاد نظام مدیریتی منسجم و اثربخش در جوامع اسلامی ایفا می‌کند. این الگو با تأکید بر سه رکن اساسی تخصص، تقوا و خدمتگزاری، به گونه‌ای تعریف شده که مدیران و کارگزاران نه تنها از نظر فنی و علمی، بلکه از منظر اخلاقی و انسانی نیز برترین ویژگی‌ها را در اختیار داشته باشند. از یک سو، اصل تخصص و شایسته‌سالاری، مستلزم به‌کارگیری دانش روز و توانمندی‌های فنی است؛ امری که مدیران از طریق تربیت نیروی متخصص و بهره‌مندی از تجربیات ارزشمند، می‌توانند کارآمدی سیستم را تضمین کنند. از سوی دیگر، تقوا و اخلاق‌مداری، به عنوان ضامن سلامت نظام مدیریتی، بیانگر ضرورت رعایت اصول اخلاقی و تعهد به امانت در مقابل فشارها و چالش‌های دنیای معاصر است. همچنین، وجه خدمتگزاری، که بر آرمان‌های انسانی و تعهد به رفاه جامعه تأکید دارد، به عنوان محور اصلی تحول اجتماعی مطرح می‌شود.

این الگو، نه تنها به عنوان یک چارچوب نظری بلکه به عنوان راهنمای عملی برای مدیران نظام‌های اسلامی، به تحقق عدالت اجتماعی، جلوگیری از فساد و تقویت مشروعیت سیاسی کمک می‌کند. از سوی دیگر، تلفیق این سه وجه نورانی به مدیران اجازه می‌دهد تا با تعادل میان توانمندی‌های فنی، ارزش‌های اخلاقی و حس مسئولیت اجتماعی، مسیری برای پیشرفت همزمان مادی و معنوی جامعه رقم بزنند. در نهایت، این پژوهش دعوتی است برای بازنگری در نظام‌های مدیریتی معاصر و پذیرش الگویی که بر پایه ارزش‌های الهی و انسانی بنا شده است.

پیشنهادهات

پژوهش حاضر، افق‌های جدیدی را برای مطالعات آتی در حوزه مدیریت اسلامی و اندیشه امام خامنه‌ای می‌گشاید. در راستای توسعه و تعمیق این پژوهش، پیشنهادهات زیر ارائه می‌گردد:

✓ مطالعات میدانی و موردکاوی (Case Studies):

اجرای مطالعات موردی در سازمان‌های مختلف (دولتی، نظامی و غیرانتفاعی) می‌تواند نقش عملی و کاربردی الگوی قرآنی مدیریت (تلفیق تخصص، تقوا و خدمتگزاری) را مستند کند و چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی آن را روشن نماید.

✓ ارزیابی عملکرد سازمانی:

به کارگیری روش‌های کمی مانند شاخص‌های عملکرد و تحلیل آماری جهت سنجش تأثیر ارزش‌های قرآنی بر کارآمدی، شفافیت و عدالت در مدیریت، زمینه‌ساز اعتبارسنجی مدل پیشنهادی خواهد بود.

✓ تحلیل تطبیقی با سایر مدل‌های مدیریتی:

مقایسه الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران با مدل‌های مدیریتی سایر نظام‌ها (از جمله مدل‌های غربی یا سایر رویکردهای اسلامی) می‌تواند نقاط قوت و ضعف هر رویکرد را برجسته کرده و راهکارهای نوآورانه‌ای ارائه دهد.

✓ مطالعه اثرات اخلاقی و فرهنگی:

تحقیق درباره اثرات ارزش‌های اخلاقی مانند تقوا و خدمتگزاری بر کاهش فساد، افزایش اعتماد عمومی و ایجاد فرهنگ سازمانی سالم از طریق مصاحبه‌های عمیق و تحلیل‌های کیفی می‌تواند ابعاد اخلاقی مدیریت اسلامی را تعمیق بخشد.

✓ پاسخ به چالش‌های عصر دیجیتال و تغییرات سازمانی:

بررسی سازگاری الگوی قرآنی مدیریت با تحولات تکنولوژیک و نیازهای محیط‌های کاری معاصر از جمله موضوعات حیاتی است که باید در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد.

✓ طراحی چارچوب‌های راهبردی:

تدوین دستورالعمل‌ها و منشورهای اجرایی مبتنی بر اصول قرآنی (تلفیق تخصص، تقوا و خدمتگزاری) می‌تواند به عنوان راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی جهت بهبود سیستم‌های مدیریتی در سازمان‌ها خدمت نماید.

الگوی قرآنی مدیریت کارگزاران در اندیشه امام خامنه‌ای، «پنجره‌ای نو» به سوی «مدیریت اسلامی تراز» می‌گشاید. توسعه و تعمیق این الگو از طریق مطالعات آتی، می‌تواند به «ارتقای نظام مدیریتی جمهوری اسلامی»، «تربیت مدیران شایسته و متعهد» و «تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی» کمک شایانی نماید. امید است این پژوهش، گامی موثر در این مسیر تعالی‌بخش بوده و الهام‌بخش پژوهش‌های آتی در این حوزه گردد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح
- ۱. تقوی، سیدرضا (۱۳۷۵). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲. حق‌پناه، رضا (۱۳۸۰-۱۳۸۱). «شایسته‌سالاری در نظام علوی» *مجله پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، شماره ۳۲-۳۳.
- ۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
- ۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۵ و ۱۷.

۵. دراکر، پیتر (۱۳۹۹). مدیریت، ترجمه حسین محبی. تهران، آوای نور.
۶. دفت، ریچارد ال (۱۳۹۲). *تئوری و طراحی سازمان*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، جلد ۴.
۸. رایینز، استیفن (۱۹۹۸م). *مبانی مدیریت*، ترجمه محمد اعرابی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. رحمانی، جعفر (۱۴۰۳). «تبیین الگوی مدیریت از منظر حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)» *مدیریت فرهنگ سازمانی*، دانشکدگان فارابی.
۱۰. سید محمدرضا حیدریان و همکاران (۱۴۰۲). «ارائه مدل شایستگی های رفتاری مدیران در تراز جمهوری اسلامی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری» *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیست و ششم، شماره ۹۸.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۴.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). *تفسیر المیزان*، بیروت، موسسه الاعلمی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۱۵. غفاری، سید اصغر و همکاران (۱۴۰۲). «شیوه های کنترل و نظارت در سازمان در اندیشه قرآنی امام خامنه ای» *اولین همایش ملی فرماندهی و مدیریت در جنگ های آینده*، تهران.
۱۶. غفاری، مصطفی (۱۳۹۸). *فتنه ی تغلب*، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انتشارات انقلاب اسلامی.

۱۷. فدایی اصفهانی، مرتضی و مرضیه سادات ابوالمعصومی (۱۴۰۲). «آسیب‌شناسی مدیریتی و حقوقی کارگزاران نظام اسلامی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای» *مطالعات قرآن و علوم*، دوره ۷، شماره ۱۴ - شماره پیاپی ۱۴۰۲، اسفند ۱۴۰۲، صفحه ۳۶۵-۳۹۶
۱۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). *پیش‌نیازهای مدیریت*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۴۲۰ق). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا، جلد ۴.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱۰ و ۱۵ و ۱۷.